

• غلامرضا جلالی*

• هنر متعهد، سبک ساز زندگی اسلامی

در اندیشه رهبری

چکیده: در دنیای امروز، از ابزارهای کارآمد و اثرگذار در پدیداری و یا دگرسانی سبک زندگی مردم، بهره‌گیری از هنر و به‌کارگیری روشهای هنری است. در ایران، برای عینیت یافتن سبک زندگی اسلامی نیز بایسته است هنرمندان ما با ارزشهای اصیل اسلامی آشنا باشند، تا بتوانند ابزار هنر را در تبیین و ترویج آن ارزشها به کار بگیرند. مقام معظم رهبری، از شخصیت‌های متفکری است که مطالعه اندیشه‌های ایشان درباره هنر و چگونگی به‌کارگیری این ابزار در نهادینه کردن سبک زندگی ایرانی-اسلامی، می‌تواند اثرگذار باشد. به باور ایشان، نقش هنر در میدانهای عمل، در پرورش روح ایمانی، بسیار کارساز و اثرگذار است. هنرمند باید یک انسان مسؤول و رابطه او با هنر رابطه‌ای مسؤولانه و تعهد آور باشد. هنر با همه اقسام آن: شعر، خوانندگی، طنز، قصه‌گویی، قالی بافی، منبر، سینما و... می‌تواند در خدمت زندگی و ارتقای فرهنگ جامعه و ایجاد و اصلاح سبک

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



زندگی قرار بگیرد، مشروط بر این که واقعی و متعهد باشد. هنر واقعی و حقیقی، ناشی از ادراک، بازتاب و تبیین است و دستیابی به آن، وقتی ممکن خواهد بود که پیش از هر روایتی، رؤیتی برای هنرمند تحقق پیدا کند. باورهای دینی و فرهنگ انقلاب و دفاع مقدس، سرچشمه‌های هنر متعهد شمرده می‌شوند و این هنر برای تأمین سبک زندگی، با دین، اخلاق و سیاست در تعامل است. سبک زندگی اسلامی وقتی می‌تواند خودش را در قالب هنر بیاورد، که هنرمند خود باور و اسلامی داشته باشیم.

کلیدواژگان: هنر متعهد، سبک زندگی، تأثیر هنر در سبک زندگی، اندیشه رهبری

درآمد

سخنان رهبر فرزانه انقلاب درباره لزوم تبیین سبک زندگی، پیام روشنی برای نقش آفرینان عرصه اندیشه و فرهنگ و بویژه هنرمندان دارد؛ زیرا هنرمندان با ابزار هنر می‌توانند بر ارزشها و نگرشهایی که به شکل گیری و جهت دهی افکار و رفتار مردمان می‌انجامد، اثر بگذارند؛ ارزشها و نگرشهایی که با نفوذ در ذهن مردم، سبک زندگی فردی و اجتماعی آنان را تعیین می‌کند. هنرمند با قدرت جاذبه خود و اثرگذاری بر مخاطب، قادر خواهد بود موجبات فرهنگ سازی را، در زمینه‌های گوناگون زندگی، فراهم آورد و با به کارگیری این ابزار کارآمد، سبک زندگی اصیل ایرانی-اسلامی را ارائه دهد و شاخصهای مورد نیاز را تبیین نماید. بنا براین، هنر در تمامی زوایای خود، این توان را دارد که در انتخاب سبک زندگی، عاملی تعیین کننده باشد؛ زیرا با ابزارها و شیوه‌های جذبی که در اختیار دارد، به خوبی از عهده الگوسازی در



جامعه برخوردار آمد و خواهد توانست با الگوسازی، سبک زندگی دلخواه را در جامعه نهادینه کند.

پیش از انقلاب اسلامی، ابزار هنر در خدمت سبک زندگی ایرانی-اسلامی نبود، بلکه رواج دهنده سبک زندگی غربی بود. در عرصه هنر، بسیاری از هنرمندان، تسلیم فرهنگ مهاجم بودند. اما پس از انقلاب اسلامی گامهای بلندی در راه احیای هنرهای سنتی و فهم و درک فلسفه هنرهای اسلامی برداشته شد و کوشش شدتا به جنبه های کاربردی هنرهای اسلامی و ملی در زندگی فردی و اجتماعی توجه شود. هم اکنون بسیاری از هنرمندانی که کارهای هنری خود را بر بنیان ارزشهای انسانی و فرهنگ اسلامی استوار کرده اند. این تحول فکری در ساحت هنر، وقتی به ثمر می نشیند که نگاه هنرمند به اسلام، مدام رو به رشد باشد.

از راه های آشنایی هنرمندان متعهد با هنری که با سبک زندگی اسلامی هماهنگی و همخوانی دارد، مطالعه افکار شخصیت هایی است که افزون بر فهم دقیق اسلام، به مقوله هنر نیز آشنایی دارند، زوایای پیدا و پنهان هنر را می شناسند و از روی آشنایی و آگاهی و درک این موضوع سخن می گویند. به اعتراف اهل خیره از شخصیت هایی که در این زمینه اندیشه ورزانه سخن گفته است، مقام معظم رهبری است. از این روی، برای دستیابی به دیدگاه ایشان در زمینه هنر، که در دنیای امروز، به مثابه یکی از ضروری ترین ابزار سبک زندگی است، اندیشه های هنری ایشان را بررسی می کنیم. با این تذکر که سعی شده است، تا دیدگاه رهبری بیش تر با سخنان خودشان بیان گردد.

جایگاه ویژه هنر اسلامی

در نظریه رهبری، از میان زوایای گوناگون مباحث مربوط به هنر، بیش تر به



آفرینش هنری، دریافت، اجرا و نقد هنر توجه شده است. هنر در دیدگاه ایشان، در مفهوم عینی و خارجی به کار رفته است، نه در مفهوم نفس الامری آن. و این رویکرد سبب شده است تا در تفکر ایشان کاربرد هنر و مدیریت آن در جامعه اسلامی جانشین بحثهای انتزاعی رایج و مصطلح در فلسفه هنر گردد، اتفاقی که در میان نظریه پردازان هنر، آن هم در ردیف علما و صاحب نظران حوزه‌های علمی شیعه، بی‌مانند است و از یک جهش در تفکر شیعی- ایرانی و رویکرد تمدنی آن حکایت دارد و می‌تواند در تبیین سبک زندگی مبتنی بر داده‌های هنر، نقش اساسی به عهده گیرد.

از نظر رهبری، هنر، روایت‌گر نوعی عقلانیت و وسعت فکری است و ماهیت پیچیده دارد. می‌توان آن را در مفهوم کلی به معنی اوج زیبایی و کمال یک روش^۱ یا یک کنش^۲ یا برخوردار از یک جامعیت دانست^۳. اما در معنی خاص آن، هنر بیان زیباییها و تخیلاتی است که انسان در ذهن خود از زیبایی دارد^۴. به بیان دیگر، هنر از مقوله ابتکار و خلق است^۵ که ارزش آن را همه کس نمی‌فهمند و برای خیلی‌ها ناآشناست^۶. با این حال، با خود هنر و مایه هنری کسی نمی‌تواند مخالفت کند^۷. تا قریحه و استعداد هنری در انسان نباشد، هر قدر هم که او زحمت بکشد^۸، همچنان در خَم اوّل باقی خواهد ماند.

نگاه جامعه‌شناختی رهبری به هنر، هنر را در سطح یکی از عوامل اثرگذار در سبک زندگی تعریف می‌کند. یک هنرمند می‌تواند زندگی در یک کشور و بلکه دنیایی را با هنر خودش پوشش بدهد و ذهنیتهایی را بسازد و هدایت‌هایی را برای افراد بیافریند و یا لذتهای روحی و معنوی را به کسانی که اهل التذاذ هنری هستند، ببخشد^۹. هنر در میدانهای عمل در پرورش روح ایمانی، بسیار کارساز و مؤثر است^{۱۰}. و چیزهایی را بازتاب می‌دهد که بیان ساده و عادی



نمی تواند آنها را؛ بویژه به نسلهای آینده و همین طور به نسل کنونی منعکس کند.^{۱۱}

البته باید دانست که اثرگذاری هنر در سبک زندگی انسانها، یک امر ناخودآگاه است و به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، هنر این اثر را خواهد گذاشت^{۱۲} و تا نهایترین لایه های ذهن انسان نفوذ می کند و این تأثیر ماندگار و سازنده است.^{۱۳}

باید به این نکته توجه داشت که همه اقسام هنر اعم از شعر، خوانندگی^{۱۴}، طنز^{۱۵} قصه گویی،^{۱۶} قالی بافی^{۱۷}، منبر^{۱۸} و سینما می تواند در خدمت زندگی و ارتقای فرهنگ جامعه قرار گیرد. با این حال از میان انواع هنرها، هنر هفتم، یعنی سینما، بیش تر مورد تأکید ایشان است. در جایی، سینما را بدون شک یک هنر برتر می داند که برتری آن ناشی از روایت گری کاملاً مسلط آن است، که هیچ روایت گری تاکنون در بین این شیوه های هنری روایت واقعیت و حقیقت، تا امروز به این کارآمدی نیامده و سینما در واقع یک هنر پیچیده، پیشرفته و متعالی است.^{۱۹}

هنر در اندیشه رهبری، بخشی از فرهنگ حاکم بر جامعه است و در ارائه سبک زندگی از سوی هنرمند و در یک قالب هنری، به مخاطب انتقال می یابد. یک هنرمند لازم است از هویت فرامندی که به او سلطه دارد و محدودش می کند، رها شود. بایسته است هنرمند نگاه متعهدانه به رابطه هنر و اجتماع داشته باشد. بنابراین، در اندیشه رهبری، مفهوم هنرمند به منزله موجودی غیراجتماعی، که برخوردار از موهبت نبوغ و در انتظار الهامات و معارف از هنجارهای مراودات اجتماعی باشد، مفهومی محدود و فاقد معنی است. هنرمند بر این اساس، بایسته است از حاشیه به متن باز گردد و به تعهدات خود پای بند باشد.

رهبری در جایی به پارادوکسیکال بودن رابطه هنر و تعهد اشاره می‌کند: چون از سویی ضرورت دارد هنر، استقلال و عزت خود را حفظ کند^{۲۰} و از سویی نیز باید متعهد باشد. لذا برای ایشان این پرسش به جد مطرح است که این دو چگونه می‌توانند با هم سازگار باشند؟ در پاسخ، ایشان تأکید دارد که این تصور درست نیست. چون بحث مسؤولیت و تعهد هنرمند، قبل از هنرمند بودن او به انسان بودن او برمی‌گردد. یک هنرمند قبل از این که یک هنرمند باشد، یک انسان است و انسان نمی‌تواند مسؤول نباشد^{۲۱}. به بیان دیگر، کسی که این موهبت از سوی پروردگار- مثل همه ثروتهای دیگر- به او داده شده است، باید بار مسؤولیتی را هم برای خودش قائل باشد. این تکلیفها، لزوماً همه دینی و شرعی نیست؛ تکلیفهایی است که بسیاری از آنها از دل انسان برمی‌خیزد.^{۲۲} بر این اساس، هنرمند، هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون، نسبت به جامعه تعهد ذاتی دارد. کسی که قریحه هنری دارد، نباید به سطح پایین اکتفا کند. این یک تعهد است. هنرمند تنبل و بی‌تلاش، که برای تعالی کار هنری خودش و ایجاد خلاقیت تلاش نمی‌کند، در حقیقت به مسؤولیت هنری خودش در قبال قالب عمل نکرده است.^{۲۳} پس می‌توان نتیجه گرفت که از نظر رهبری، تز هنر برای هنر، یک مقوله انحرافی است؛ هنر باید در خدمت هدف باشد. از نظر ایشان در گذشته، هنرمندان بزرگ، هنرهای خودشان را در خدمت اهدافی قرار می‌دادند و اهداف امروز ما، مقدسات و ارزشهای والای اسلام و انقلاب است.^{۲۴} پس نباید اهداف هنری جامعه را بیگانگان تعیین کنند. به بیان دیگر هنرمندانی که هنرشان در خدمت اهداف بیگانگان است، هر چند هنرشان برجسته باشد، ارزشی ندارد.^{۲۵}

حضور کلی و جهان شمول هنر نظرگیرتر از آن است که بتوان هنر را نوعی



کالای تجملی بدانیم که در جامعه های مدرن تکوین یافته است. در بیانات رهبری هنر به منظور نقش آفرینی در زندگی انسان، به جز تعاملی که با دین دارد و ما در بحث سرچشمه های هنر به آن اشاره خواهیم کرد، با اخلاق و سیاست نیز تعامل دارد؛ هنرمی تواند در این حوزه های مهم اجتماعی اثرگذار باشد.

۱. هنر و اخلاق

از مسائل مربوط به تعامل هنر و اجتماع، تأثیری است که هنرمی تواند روی عواطف، احساسات و اخلاقیات انسانها بگذارد. آیا آثار هنری که انسانها را می رنجانند و آنان را به خشم و خشونت دعوت می کنند، قابل پذیرش هستند؟ آیا آثار هنری می توانند شیوه های زندگی تثبیت یافته و قابل دفاع آدمیان را دگرگون کنند و آنها را مدام در برابر مسائل و مباحث ناروا و ناراست قرار دهند و آرامش اجتماعی را به هم بریزند یا انگیزه های غریزی و شهوی را افزایش دهند و یا همدلی با بزهکاران و جنایتکاران را در میان آحاد جامعه ترویج کنند؟ آیا هنری که به تمرد و خشونت، جلوه دل پسندی می بخشد، می تواند در دسترس عموم قرار داشته باشد؟ این پرسشها و صدها پرسش دیگر، ریشه در تعامل هنر و اخلاق دارد و در نظریه رهبری، هر جامعه و هر انسان و هر مجموعه بشری، مایل است که هنر در خدمت ارزشهای مقبول خودش قرار بگیرد^{۲۶} بر این اساس، هنر با دین و اخلاق، نه تنها منافات ندارد، بلکه خلّاقیت هنری می تواند صد درصد در خدمت ارزشهای دینی و اخلاقی باشد. با این حال، در دنیا، هنرمندان زیادی وجود دارند که واقعاً صاحب ذوق و هنر هستند و از پولهای بی حساب دلارهای نفتی می گیرند و کتاب می نویسند.^{۲۷} ایشان این روش را بسیار نکوهیده می داند و معتقد است یک هنرمند متعهد باید جنبه های ارزشی را رعایت بکند و توصیه می کند:



«استفادهٔ بهینه از هنر و روشهای هنری؛ باید در خدمت اهداف انقلاب و اسلام باشد.»^{۲۸}

این توصیه برای آن است که:

«به بهانهٔ آزادی تخیل یا آزادی هنری، فضیلت سوزی و هتک اخلاق نشود.»^{۲۹}

و:

«هنر ذهن و دل مخاطب را به سمت گناه و فساد نلغزاند»^{۳۰}

پس هنر و آثار هنری ای مطلوب است که مبتنی بر اخلاقیات اصیل و ارزشهای والای الهی و انسانی باشد و سبک خاصی از زندگی را که مورد نظر اسلام است، مورد نظر و پسند قرار دهد و رشد و توسعه آن را امکان پذیر نماید.

۲. هنر و سیاست

هنر می تواند یکی از انواع فعالیتهای سیاسی باشد. دولت می تواند هنرمندان را به کارگیرد تا لباسهای متحدالشکل را طراحی کنند، آهنگ بسازند، سرود بخوانند، معماری شهر را تغییر دهند. در این حالت، سیاست، حالت کارفرما را نسبت به هنر ایفا می کند. با این حال، سفارشهای دولتی، می تواند میان داعیه خودمختاری هنرمندان و داعیه های مربوط به مصالح عمومی تعارضاتی را شکل دهد. با توجه به اهمیت تعامل هنر و سیاست است که این رابطه اهمیت بسیار زیادی در سخنان رهبری یافته است. فرهنگ استعماری می کوشد همه دنیا را تسخیر کند و ابزار و مرکب اصلی آن چیزی جز هنر نیست^{۳۱} و این بهره کشی به دوره حاضر اختصاص ندارد.^{۳۲} و اگر استعمارگران:

«این قدر روی هنر سرمایه گذاری می کنند، این امر به علت

کارایی هنر است.»^{۳۳}



براین اساس باید قدری عمیق تر به هنر و سیاست نگاه کرد.^{۳۴} باید توجه داشت که:

«مستکبران، هنر، سینما، فیلم، شعر، نوشتن، مغز و استدلال و فلسفه را در راه منافع استکباری و چپاول گری خودشان استخدام کرده اند.»^{۳۵}

آنها از شعر و نقاشی و داستان و فیلم و نمایش و بقیه شعبه های هنر، به عنوان ابزاری برای کوبیدن فضیلت، از بین بردن حقایق و فضایل معنوی و اسلامی، و سوق دادن به مادی گری و عیش و عشرت مادی، سوءاستفاده می کنند. و به همین دلیل، هنر حتی از قالب گروهی و جناحی نیز باید بیرون باشد تا به ابزار قدرت برای افراد سیاست زده بدل نشود:

«نگذارید خطوط و جناحهای سیاسی و شبه حزبهایی بیایند و وارد این مقوله شوند و آن را قبضه کنند؛ زیرا در این صورت همه چیز تباه خواهد شد.»^{۳۶}

شناخت هنر متعهد

در این بخش، مناسب است نگاه انسان شناسانه و تعهدگرایانه رهبر نسبت به هنر را دنبال کنیم. در نظریه های انسان شناسی هنر با دو نگرش: هنر، به مثابه شکل و هنر به مثابه کارکرد، روبه رو هستیم، که دومین نگرش از اقبال پیش تری میان انسان شناسان هنر برخوردار بوده است و کارکردگرایی هنر در نقطه مقابل سه دیدگاه دیگر؛ یعنی تطورگرایی* و ساختارگرایی و نمادگرایی، مورد توجه بیش تر رهبری است. ایشان هدف هنر را رسیدن به تالیفی میان دو جنبه فناورانه و بازنمودی هنر می داند تا بویژه بتواند مقوله های بیان* در تطورگرایی بر رشد قدرت ذاتی فناورانه و زیباشناسانه انسان تاکید می شود.



غیرکلامی را در کارکردی ارتباطی به وجود بیاورد. این دیدگاه توانایی آن را دارد که هنر را در همه ابعاد و جنبه‌های زندگی انسان منطبق کند.

در اندیشه رهبری، هنراز این دو ویژگی برخوردار است:

۱. گوهر بسیار گرانبها و عطیه‌الهی است که دلها و چشمهایی را به خود جذب می‌کند.^{۳۷} پس هرگز نمی‌توان هنر را مساوی با لابلالی‌گری و بی‌دینی و بی‌بندوباری دانست.^{۳۸} آن‌چه در هنر ایراد دارد و اهل بصیرت همیشه ایراد گرفته‌اند، جهت غلط هنر است. کشاندن هنر به اغواگری و بی‌بندوباری انسان، بد است؛ هنر اگر با جهت‌گیری دین باشد، از برجسته‌ترین پدیده‌های وجود انسانی است.

۲. هنر دانسته‌های ذهنی را به صورت ملموس در اختیار آدم می‌گذارد.^{۳۹} در واقع روند فهم هنری از حقیقت چنین است که ابتدا ادراک و احساس هنری شکل می‌گیرد، بعد هنرمند با چراغی که در درون او برافروخته شده است، ظرایف و دقایق و حقایقی را ابراز می‌کند.^{۴۰}

پس دستیابی به این عطیه‌گران سنگ، وقتی ممکن خواهد بود که پیش از هر روایتی، رؤیتی برای هنرمند تحقق پیدا کند. چون کار هنرمند فقط روایت هنری نیست؛ روایت هنری آن بخشی از کار هنرمند است که همه آن را می‌بینند و می‌دانند که هنرمند با هنر خودش دارد، چیزی را روایت می‌کند؛ اما بخش مهمی قبل از این وجود دارد و آن رؤیت هنری است. هنرمند این رؤیت را با بیان هنری خود گزارش می‌کند.^{۴۱}

آن‌چه در مرحله رؤیت اتفاق می‌افتد، این است که زمینه بصیرت هنرمند برای دیدن واقعیت، فهم آن و انتقال آن به زبان هنر را فراهم می‌کند. براین اساس، نمی‌توان چیزی جز واقعیت را به هنر دیکته کرد. این اهانت به هنر است که ما تذبذبهایی را که در ذات خودمان است و یا ناشی از احساسات غلطی

است که در خودمان وجود دارد، به پای هنر ببندیم. ۴۲ اگر یک کارگردان، هنرپیشه، فیلمنامه‌نویس و عامل مؤثر در پدید آمدن یک اثر نمایشی و دراماتیک جاذب و جالب، به عنوان کسی که در این میدان فعال است، نقش ایستادگی و نقش دشمن شناسی را ایفا کرد، نقش خود را شناخت و به آن عمل کرد، او خود قهرمان یک داستان حقیقی خواهد بود؛ آن وقت اثری که می‌سازد، بازی را می‌کند، باروح‌تر، گرم‌تر، گیراتر و جذاب‌تر خواهد شد. ۴۳

سرچشمه‌های هنر متعهد

از منظر رهبری، هنر متعهد دارای سه سرچشمه: «باورهای دینی»، «انقلاب» و «جنگ» است. این منابع پایان‌ناپذیر، می‌توانند به لحاظ معرفتی هنر مورد نیاز ما را برآورده و از پناه بردن جامعه به اهداف و منابع بیگانگان بی‌نیاز کنند:

۱. باورهای دینی

دین، بدون تردید از مهم‌ترین سرچشمه‌های هنر متعهد است. این هنر، بیان‌گر حقایق ماورایی؛ اما تأثیرگذار و عمیق و منبعث از دین اسلام است. در تفکر رهبری، در میان باورهای دینی، بویژه برای شیعه، محبت اهل بیت، مهم‌ترین منبع شمرده می‌شود. این قلمرو، عرصه شایسته‌ای برای هنرنمایی در هنر اسلامی است و در میان این مجموعه نور، محبت فاطمه زهرا، سلام‌الله‌علیها، جای ابراز هنر، ذوق و ظرافت طبع ویژه است. فاطمه زهرا، سلام‌الله‌علیها، کلمه‌الله پرمضمون و مانند یک دریای ژرف و عمیق است. ۴۴ هرچه فکر، ذوق و طبع ظریف صاحبان طبع در این زمینه کنکاش و تدبر و تأمل بیش‌تری کند، گوهرهای بیش‌تری به دست خواهد آورد.

شرایط کنونی ایران و جهان اسلام ایجاب می‌کند که باورهای دینی، به



منظور بهره‌گیری در سبک زندگی، در عرصه هنر، بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، ایشان در خطاب به هنرمندان مسؤول می‌گویند:

«شما از کسانی که نمی‌خواهند هنر اسلامی را بفهمند، یا به آن

اقرار کنند، نباید خیلی متأثر بشوید.»^{۴۵}

به بیان دیگر، اگر کسانی حاضر نیستند هنر ما را بپذیرند:

«این چیز مهمی نیست، چیز بدی هم نیست. مگر می‌شود همه با

یک هنر برخاسته از یک اندیشه و تفکر خاصی موافق باشند؟»^{۴۶}

لابد عده‌ایی، با محتوا و جهت‌گیری مخالفت خواهند کرد^{۴۷} و یادآور می‌شود:

«کسی که از هنر شما تعریف کند، بر سر شما متنی ندارد.»^{۴۸}

منشاء اصالت و اعتماد به هنر اسلامی این است که قرآن خود یک کار

هنری است

«اگر قرآن این زبان هنری را نداشت، شاید یک گوشه‌کار

می‌لنگید.»^{۴۹}

از نظر رهبری، هنر برآمده از باورهای دینی مجسم‌کننده و ارائه‌کننده

آرمانهای دینی است^{۵۰} این هنر در اندیشه رهبری از چند ویژگی برخوردار است:

۱. به معنای قشری‌گری و تظاهر ریاکارانه دینی نیست.

۲. لزوماً با واژگان دینی به وجود نمی‌آید. ای بسا هنری صددرصد دینی

باشد، اما در آن از واژگان عرفی و غیر دینی استفاده شده باشد.

۳. معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه، دین مبین اسلام - به نشر آن در

بین انسانها همت گماشته‌اند، نشر داده و جاودانه کرده و در ذهنها ماندگار سازد.

۴. عدالت را در جامعه به صورت یک ارزش معرفی کند^{۵۱}. اگر یک

هنرمند در باب عدالت، رساترین سخن را در هنرهای نمایشی مطرح کند، به

هنر دینی توجه کرده است.^{۵۲}



۵. در خدمت شهوت و خشونت و ابتذال و استحالهٔ هویت انسان و جامعه قرار نگیرد.^{۵۳}

۲. انقلاب

یکی از اثرگذارترین نقشهای انقلاب اسلامی، هویت بخشی آن است. ما به تعبیر رهبری به عنوان جزء نود و نهم در امواج حرکات جهانی، غرق و گم بودیم.^{۵۴} انقلاب ما را زنده کرد و به ما شخصیت داد. انقلاب به ما آموخت که یک ملت می تواند در اساسی ترین مسائل جهانی، سخن و موضع داشته باشد و آن را با روشنی و بدون توجه به این که قدرت مندان و قلدرهای عالم چه می خواهند، ابراز کند و پای آن بایستد.

دشمنان کوشیده اند جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند، ولی انقلاب یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرد. شعرا، داستان نویسان و نویسندگان قلم زن دقیق فارسی نویس به وجود آمدند. مادر میهن ما، در دوران استبدادهای اوایل دوران پادشاهی، سترون و عقیم شده بود. آدمهای بزرگ، نویسندگان بزرگ، هنرمندان بزرگ، بخصوص در بعضی از رشته های هنری، پرورش پیدا نمی کردند. لکن امروز می بینیم در میان جوانان ما، سینماگران خوب، نمایشنامه نویسان خوب، کارگردانان خوب، شعرای خوب و داستان نویسان خوب، زیادند. انقلاب این نیروها را آزاد کرد.^{۵۵}

از نظر ایشان، هنر زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب برآید.^{۵۶} و تاکید می کند:

«انقلاب، در خانه شما اتفاق افتاد. آیا هنرمی تواند از کنار این

قضیه بی تفاوت بگذرد؟»^{۵۷}



لازم است هنرمندان، زبان رسای هنر را در خدمت انقلاب و اسلام - که عزیزترین سرمایه مردم است - به کار گیرند و این عطیه الهی را صرف تعالی افکار مردم کنند و هنر را از آمیزش با مظاهر زیانبار فرهنگ بیگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالی آن به میان مردم برآند و در ذهن و دل آنان وارد کنند و از شکل کالای تجملی گروهی خاص خارج سازند.^{۵۸}

و نیز می گوید:

«تمام منابع مادی و معنوی این ملت را به غارت بردند. با رنجها و محنتهای بسیاری، حرکت عظیمی در مقابل این پدیده شوم اتفاق افتاد و توانست با فدا کردن جانها و با عریان کردن سینه ها در مقابل دشمن غدار، به جایی برسد. این زیبا نیست؟ هنر چگونه می تواند از کنار اینها بی تفاوت بگذرد؟ این توقع انقلاب است. آیا این توقع زیادی است؟ توقع انقلاب از هنر و هنرمند، یک توقع زورگویانه و زیاده خواهانه نیست؛ بل مبتنی بر همان مبانی زیباشناختی هنر است. هنر آن است که زیباییها را درک کند. این زیباییها، لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.»^{۵۹}

۳. دفاع مقدس

ایشان دفاع مقدس را از منابع سرشار هنری می داند. در جایی یادآور می شود:

«ملتی در یک دفاع هشت ساله با همه وجود به میدان آمد. جوانان به جبهه رفتند و از فداکاری در راه ارزشی که برای آنها وجود داشت، استقبال کردند. شما خاطرات هشت سال دفاع مقدس را مرور



کنید، ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا می‌کنید؟ شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا، آن جایی که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید، او را تحسین و ستایش می‌کنید. وقتی فیلم، آهنگ، تابلوی نقاشی، زندگی فلان انقلابی - مثلاً ژاندارک - یا سرباز فداکار فلان کشور را برای شما به تصویر می‌کشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمی‌توانید کار او را تحسین نکنید. هزاران حادثه به مراتب باارزش‌تر و بزرگ‌تر از آن‌چه که در این اثر هنری نشان داده شده، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در خود انقلاب، در خانه شما اتفاق افتاد. آیا این زیبایی نیست؟ هنر می‌تواند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد؟ توقع انقلاب این است و توقع زیاده‌خواهانه‌ای نیست. می‌گویند چرا زیبایی دیده نمی‌شود! کسی که به این مقوله بی‌اعتناست، نمی‌خواهد این زیبایی را ببیند.^{۶۰}

بایسته‌های بهره‌گیری از هنر

به مجموعه سخنان رهبری در بهره‌گیری از هنر، برای دستیابی به سبک زندگی اسلامی، در چند محور، به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱. هنر در حکم ابزار

«کسانی که امروز پیامی برای مردم دارند؛ چه پیام رحمانی، چه پیام شیطانی - فرق نمی‌کند - بهترین وسیله‌ای که در اختیار می‌گیرند، وسیله هنر است.»^{۶۱}

به کمک هنر، امروز در دنیا باطل‌ترین حرفها را در ذهن یک مجموعه



عظیمی از مردم به صورت حق جلوه می دهند^{۶۲}. پس ما نباید نقش هنر را در کارهای معمولی زندگی خودمان، دست کم بگیریم.^{۶۳} باید به هنر اهمیت داد و آن را اعتلا بخشید و شکل فاخر هنر را انتخاب کرد. زیرا:

«بدون هنر، حرف عادی جای خودش را حتی در ذهن کسی پیدا نمی کند، چه برسد به این که جذابیت داشته باشد و جای گیر و ماندگار شود. هنر مهم ترین وسیله است برای گسترش یک فکر درست یا نادرست. هنر، وسیله، ابزار و رسانه است.»^{۶۴}

۲. بهره گیری از زبان هنر در زندگی

زبان هنر و سبک هنری، هر دو، معانی و مباحث گسترده ای را دربر می گیرند و غایات هنر اسلامی را مطرح می کنند. توصیف با عکس، فیلم، مجسمه و شعر را می توان زبان هنر خواند. زبان هنر می تواند حوادث عظیم را تبیین و تشریح کند و ذهنها را روشن نماید. این زبان جای گزین ندارد. هرچه توصیف هنر، دقیق تر و ریزتر و زبانش رساتر و بلیغ تر، حوزه و گستره آن نیز محدودتر است. به کارگیری سازنده زبان هنر در زندگی به مهارت و تواناییهای خاصی نیاز دارد: توانایی رؤیت خلاقانه و ارائه عصری.

در واقع هنگامی که ما از هنر در شرایط کنونی جهان اسلام سخن به میان می آوریم، با استنباط امروزی تفاوت دارد. هنر در مفهوم اسلامی آن هنوز در انزو قرار دارد و هنرمندان نیز در بهره گیری از زبان هنر معهود، با اهتمام آن به فطرت و امور فطری و عارفانه به قدر کفایت پخته عمل نمی کند و زبان اش در اصل تعقید دارد، چون زبان به کاررفته به دلیل دوری جوامع اسلامی از ریشه های اصیل خود، زبان رایج و قابل فهم نیست. درست در نقطه مقابل زبانی که هنرهای رایج غربی از آن استفاده می کند، با توجه به این که این زبان، زبان



غریزی است، برای بیش تر مردم شناخته شده است و سازگاری با اصولی چون وحدت، تعادل و هماهنگی بافهم توحیدی - که لازمه یک شهود است - ندارد. ایشان در زمینه ضرورت ارائه عصری هنر یادآور می شود که برای تقویت و گسترش اندیشه انقلاب اسلامی که مثل روح و اندیشه معصومی، در دنیای ناپاک افکار غلط و در روزگار سیاه ما، بالاخره جای خودش را در دنیا باز می کند، باید مایه هنری را غلیظ نمود. چون در تمدن امروزین غرب، هنر و زیبایی یک دریافت نفسانی است و هنرمندان اصیل برای ادامه کار خود با مشکلات زیادی روبه رو هستند. آنها اگر بخواهند به زبان هنر رایج غرب سخن بگویند، از اهداف انسانی و الهی خود دور خواهند شد و اگر به زبان رایج روزگار خود رو بیاورند، گامی دیگر در جهت حاکمیت مطلق نفس بر خواهند داشت. ایشان خطاب به صاحب نظران می پرسد:

«آیا این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزها، شخصیت، عزت، تاریخ و هویت ملی او شده است، این گونه مردانه ایستاده و شجاعانه دفاع کرده ما آن را آن هم با زبان هنر زیر سؤال ببریم؟»^{۶۵}

۳. بومی سازی زبان هنر

در کنار اهتمام به هنر و به کارگیری آن در تبیین اندیشه های انقلاب، باید به این نکته توجه داشته باشیم که انقلاب وقتی می تواند خودش را در قالب هنر بیاورد، که هنرمند خودی داشته باشد و خودش هنرمند را پرورش بدهد.^{۶۶} این هنرمند است که می تواند زشتیها و سختیها و دردهایی را به چالش بکشد که از سلطه زر و زور و حاکمیت فساد مالی و قدرت، در دنیا و در سطح بین المللی به وجود آمده است.



«پول و قدرت، پولی امروز توانسته ظریف‌ترین، لطیف‌ترین و شیواترین حقایق عالم ماده را هم در خدمت بگیرد. امروز برجسته‌ترین و تواناترین مجموعه سینمایی دنیا در «هالیوود» است. هالیوود در خدمت چیست و کیست؟ در خدمت اشاعه فحشا، پوچی، بی‌هویتی انسان، خشونت و مشغول کردن بدنه ملتها به یکدیگر است تا طبقه بالا بتواند بی‌دغدغه زندگی کنند. شعر، قصه، نقاشی و انواع شعبه‌های هنر همین‌گونه است.»^{۶۷}

۴. بهره‌گیری دقیق و درست از هنر

بر اساس ارزیابی رهبری، پیشرفت هنر متعهد و انقلابی در ایران، خوب بوده است.^{۶۸} به کار بردن هنر، مثل همه ابزارهای دیگر که حامل فکر هستند، باید خیلی دقیق و روشن و درست باشد. پیامبر اسلام (ص) از همه ابزارها، حتی ابزار هنر، برای حمل فکر استفاده کرده است.^{۶۹} باید با استفاده از این هنر، محبت را در میان مردم عمق بخشید و تروتازه کرد و برافروخته نگهداشت.^{۷۰} امروز مردم به چیزهایی نیاز دارند که با زبان هنر قابل برطرف شدن و تأمین شدن است. مامی توانیم با استفاده از هنر، به اصلاح خلیات خود و جامعه پردازیم. به صفا و یک‌رنگی، روح اخوت و برادری، احتیاج داریم تا هر انسانی در جامعه ما نسبت به همسایگان خودش در خانه، در محل کسب، در خیابان احساس امنیت کند و خود را در امان بداند. ما قدرت ابتکار، شجاعت نوآوری، خطرپذیری برای کارهای بزرگ را به عنوان یک خصلت ملی نیاز داریم. اینها خصوصیتی است که اگر در یک ملت باشد، آن ملت راه تکامل را خوب می‌پیماید. اینها با زبان هنر می‌تواند القاء شود؛ آن‌چنان که فضا را پر کند.^{۷۱}



۵. هدایت هنر در جهت سبک زندگی اسلامی و فرهنگ عمومی

امروز، عمده قوای دشمنان در جبهه فرهنگی کار می‌کند. این جنگهای روانی، فعالیت‌های فرهنگی، بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهنها می‌گذارند، همه مربوط به مسأله فرهنگ است.^{۷۲} صدا و سیما، باید استقلال فکری و عملی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی و اصل «نه شرقی و نه غربی» را با ارایه فرهنگ و اندیشه و هنر خودی و اصیل و غنی، ترویج و تحکیم کند و در برابر فرهنگ و هنر و اندیشه تحمیلی و بیگانه، حالت تهاجمی داشته باشد و باید با انتخاب بهترین شیوه‌ها و بلیغ‌ترین زبانها، غبار غربت و انزوا را از چهره مفاهیم عمیق اسلام و حقایق درخشان قرآن بسترده و ارمغانی را که ملتهای مسلمان در سراسر جهان، از نظام جمهوری اسلامی انتظار می‌برند؛ در دسترس آنان قرار دهد.^{۷۳}

پیام هنر، انتخاب زبان، موضوع متناسب و تهی بودن از هر بدآموزی، به عنوان چهار اصل همیشگی، مورد توجه مدیران و کارکنان و برنامه‌ریزان و مجریان باید باشد.^{۷۴} باید از پخش موسیقی مبتذل، بویژه آن چه در این رشته هنری فاقد هویت ملی و اصالت ایرانی است، پرهیز شود. موسیقی ابزاری است که می‌تواند حرام و می‌تواند حلال باشد. نوع حلال آن به درستی شناسایی و برابر نظرات روشنگر امام راحل، طاب ثراه، در معرض استفاده قرار گیرد و در این باره، بیش‌تر از هنر اصیل ایرانی، که با ساحت روحی و عاطفی مردم ما هم‌خوان و هم‌نواست کار گرفته شود.^{۷۵} جایگاه ادب و هنر باید به وسیله کسانی که مدعی ادب و هنر و بانی این کارند، حفظ و تثبیت شود.^{۷۶} باید توجه شود که معنای اصطلاحی «عوام» و «عموم» فرق می‌کند. مثلاً اگر شما بخواهید برای عامه مردم یک موسیقی پخش کنید، موسیقی خوبی را انتخاب می‌کنید؛ موسیقی‌ای که مورد علاقه مردم باشد و آن را بپسندند.^{۷۷}



با توجه به طول مدت چندین دهه ارائه دیدگاه‌ها از سوی رهبری، دسته بندی سخنان ایشان در تبیین مؤلفه‌های اساسی و فرعی هنر و مهندسی آن، به مثابه یک متغیر فرهنگی، با توجه به مهندسی کلان نظام، از ضروریات گزیر ناپذیر جامعه هنری است.

نتیجه

توجه به هنر و زوایای وجودی آن روشن می‌کند که ارتباط با مسأله هنر و هنرمند، از دیدگاه رهبری جزو مسائل ظریف و به شدت حساس و دقیق است و مرزهای دشواری در این زمینه وجود دارد. اگر ما به این مرزها بی‌توجه باشیم، ممکن است خطا کنیم و برخلاف آن چه که شایسته است، عمل نماییم. باید مرزها را درست بشناسیم، درست قضاوت کنیم تا بتوانیم نظریات ایشان را به گونه جامع در موضوع هنر و ارتباط آن با ارزشهای اسلامی و اثرگذاری بر سبک زندگی به دست بیاوریم.

این نوشتار، دور نمای روشنی از مفهوم، جایگاه، ابعاد و مسائل مربوط به هنر متعهد و ارتباط آن با فرهنگ و تعامل آن با اخلاق، سیاست و اقتصاد و نیز سرچشمه‌های هنر، اعم از دین، اخلاق، انقلاب و جنگ و ربط منطقی هر یک از این مباحث و عوامل محرک و بازدارنده و نیز ظرفیتهای بالفعل و بالقوه و مکانیسم برخورد با هنر و هنرمند در جامعه انقلابی ایران و راهبردهای سامان بخشی و مدیریت آن و مطالبات رهبری از مدیران و مسؤولان حوزه هنر را براساس دیدگاه رهبری، در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

منابع

- تمام پی‌نوشتها از سی دی بیانات مقام معظم رهبری گرفته شده است.



پی نوشتها:

۱. سال ۱۳۷۰، سخنرانی در دیدار با اولین گروه میهمانان خارجی مراسم دومین سالگرد ارتحال امام خمینی/۶۹.
۲. سخنرانی در مراسم بیعت جهادگران جهاد سازندگی سراسر کشور/۲۹.
۳. بیانات سال ۱۳۷۵، در دیدار روحانیون و مبلغان، در آستانه ماه محرم/۴۱.
۴. همان.
۵. بیانات سال ۱۳۷۰، پس از بازدید از نمایشگاه فرش در حسینه امام خمینی/۲۶۷.
۶. همان/۲۶۸-۲۶۹.
۷. بیانات سال ۱۳۶۸، در دیدار با شعرا، فیلم سازان، آهنگ سازان، عکاسان و هنرمندان رشته های تجسمی/۳۳۸.
۸. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر/۷۳۸.
۹. بیانات سال ۱۳۶۸، در دیدار با شعراء، فیلم سازان، آهنگ سازان، عکاسان و هنرمندان رشته های تجسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی/۳۳۸.
۱۰. بیانات سال ۱۳۸۶، در دیدار مداحان و ذاکران اهل بیت(ع) به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)/۷۳.
۱۱. بیانات سال ۱۳۷۰، سخنرانی در دیدار با گروهی از خانواده شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسؤولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهداد، قم و مسؤولان و دانشجویان هنر/۲۳۴.
۱۲. بیانات سال ۱۳۸۴، در دیدار با جمعی از پیش کسوتان جهاد و شهادت و خاطره گوین دفتر ادبیات و هنر مقاومت/۱۷۶.
۱۳. بیانات سال ۱۳۷۷، دیدار با مسؤولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان/۶۶.
۱۴. بیانات سال ۱۳۶۹، سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت(ع) به مناسبت میلاد



مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا(س)/ ۳۸۵-۳۸۷.

۱۵. بیانات سال ۱۳۸۳، در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما/ ۲۰۸-۲۱۴.
۱۶. بیانات سال ۱۳۷۷، دیاربا مسؤلان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان/ ۶۹-۶۶.
۱۷. بیانات سال ۱۳۷۰، پس از بازدید از نمایشگاه فرش در حسینیه امام خمینی/ ۲۶۸.
۱۸. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با مسؤلان سازمان تبلیغات اسلامی/ ۵۱۲-۵۱۵.
۱۹. بیانات سال ۱۳۸۵، در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون/ ۵۲-۵۳.
۲۰. بیانات سال ۱۳۸۶، در دیدار نخبگان یزد/ ۱۹۵.
۲۱. همان.
۲۲. همان/ ۷۳.
۲۳. همان/ ۷۴.
۲۴. بیانات سال ۱۳۷۰ پس از بازدید از نمایشگاه فرش در حسینیه امام خمینی/ ۲۶۸.
۲۵. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با مسؤلان، نویسندگان دفتر هنر و ادبیات مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی/ ۱۱۵.
۲۶. بیانات سال ۱۳۶۹، در دیدار با اعضای سیاست گذاری صدا و سیما/ ۴۶۰-۴۶۱.
۲۷. بیانات سال ۱۳۶۸، سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از ذاکرین و مداحان اهل بیت، علیه السلام، در خجسته سال روز ولادت صدیقه کبری حضرت زهرا(س)/ ۴۲۹-۴۳۰.
۲۸. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با مدیران مراکز سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران/ ۵۲۶-۵۲۸.
۲۹. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر/ ۷۳-۷۴.
۳۰. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر/ ۷۳-۸۰.
۳۱. بیانات سال ۱۳۷۷، در دیدار با مسؤلان کانون پرورش فکری کودکان و



نوجوانان... / ۶۶.

۳۲. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۳.
۳۳. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با اعضای کنگره شعر حوزه / ۲۱۰.
۳۴. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر / ۷۳.
۳۵. بیانات سال ۱۳۸۳، در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) / ۱۰۷.
۳۶. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با گروهی از خانواده شهدا و جانبازان و اقشار مختلف مردم و جمعی از مسؤولان ادارات و سازمانهای شهرهای تهران، شهداد، کرمان، قم، و مسؤولان و دانشجویان دانشگاه هنر / ۲۳۴.
۳۷. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با اعضای مجمع نویسندگان مسلمان / ۲۳۰-۲۲۷.
۳۸. بیانات سال ۱۳۸۷، در دیدار با مسؤولان اجرایی استان فارس / ۶۳.
۳۹. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر / ۷۳.
۴۰. همان.
۴۱. بیانات سال ۱۳۷۳، در دیدار عوامل برنامه رادیویی از سرزمین نور / ۱۶۶-۱۶۸.
۴۲. همان.
۴۳. بیانات سال ۱۳۸۹، در دیدار هنرمندان و دست اندرکاران صداوسیما / ۸۴.
۴۴. بیانات سال ۱۳۸۷، در دیدار جمعی از مداحان و ستایش گران اهل بیت، علیهم السلام / ۸-۸۴.
۴۵. بیانات سال ۱۳۶۸ در دیدار با شعرا، فیلم سازان، آهنگسازان، عکاسان، و هنرمندان رشته های تجسمی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی / ۳۳۸.
۴۶. همان.
۴۷. همان.
۴۸. همان.

۴۹. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با اعضای کنگره شعر حوزه/ ۲۱۰.
۵۰. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۵-۷۳.
۵۱. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۵-۷۳.
۵۲. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۵-۷۳.
۵۳. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۵.
۵۴. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر... / ۷۵-۷۳.
۵۵. بیانات سال ۱۳۷۱، در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش
سراسر کشور / ۷۶-۷۲.
۵۶. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با جمعی از هنرمندان / ۲۶۶-۲۷۴.
۵۷. بیانات سال ۱۳۸۰، در دیدار با اصحاب فرهنگ و هنر / ۷۳.
۵۸. مکتوبات سال ۱۳۶۸، پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز رحلت امام
خمینی / ۵۲-۴۸.
۵۹. همان.
۶۰. همان.
۶۱. بیانات سال ۱۳۸۷، در دیدار مداحان و ستایش گران اهل بیت، علیهم
السلام / ۸۴.
۶۲. بیانات سال ۱۳۸۷، در دیدار جمعی از مداحان و ستایش گران اهل بیت، علیهم
السلام / ۸۴.
۶۳. همان.
۶۴. بیانات سال ۱۳۸۳، در جمع کارکنان سازمان صداوسیما / ۲۳.
۶۵. بیانات سال ۱۳۶۸، در دیدار با شعرا، فیلم سازان، آهنگ سازان، عکاسان و
هنرمندان رشته های تجسمی حوزه هنری / ۶۶.
۶۶. بیانات سال ۱۳۷۷، در دیدار با اعضای کنگره شعر حوزه / ۲۱۰.

۶۷. بیانات سال ۱۳۸۴، در دیدار بخشی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکلهای دانشجویی/۲۰۰.
۶۸. بیانات سال ۱۳۶۸، در دیدار با شعرا، فیلم سازان، عکاسان و هنرمندان رشته های تجسمی حوزه هنری/۳۳۸.
۶۹. بیانات سال ۱۳۶۸، در دیدار با شعرا، فیلم سازان، آهنگ سازان، عکاسان، و هنرمندان رشته های تجسمی/۳۳۸-۳۴۱.
۷۰. بیانات سال ۱۳۶۹، در دیدار با مداحان به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س)/۳۸۵-۳۸۷.
۷۱. بیانات سال ۱۳۸۷، در دیدار شاعران با رهبر انقلاب در نیمه ماه مبارک رمضان/۱۳۲.
۷۲. بیانات سال ۱۳۸۶، در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت/۱۰۴-۱۰۰.
۷۳. همان.
۷۴. مکتوبات سال ۱۳۶۸، حکم انتصاب آقای محمد هاشمی به سمت ریاست سازمان صداوسیما/۸۷.
۷۵. مکتوبات سال ۱۳۷۲، حکم انتصاب آقای دکتر علی لاریجانی به سمت رئیس سازمان صداوسیما و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی/۸۸-۸۷.
۷۶. بیانات سال ۱۳۷۰، در دیدار با گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران/۵۱۸.
۷۷. بیانات سال ۱۳۷۹، در دیدار با اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران/۵۴۷.